کانال تلگرام روزنامه را دنبال کنید:
@sharifdaily

با شماره پیامک ۱۰۰۰۶۶۱۶۶۰۰۶ و ایمیل مستقیم سردبیر پذیرای مطالب، پیشنهادات و انتقادات شما هستیم.
(sharifdailymanager@gmail.com)

هر شنبه و سه شنبه منتظرمان باشید

روزنامه

سال هفدهم • دوره جدید • شماره ۷۸۷ • سه‌شنبه ۲۲ آبان ماه ۱۳۹۷

فصل پنجم رادیو شریف

صدا را به تصویر کشیدیم. رادیو شریف تصویری شد! هم در یوتیوب هستیم و هم در آپارات.
@radiosharif

سرمقاله

راوی

نازیلا ویسی

لای کتاب را که باز می‌کنی، کمی دقت کن. حتما صدایش را می‌شنوی. معمولا در هر کتابی که روایتگر جریانی از یک زندگی است، در کنار نقش‌آفرینان، شخصی سخن می‌گوید که به او «دانای کل» یا «راوی» گفته می‌شود. حین خواندن کتاب آنقدر مشغول شخصیت‌های داستان می‌شویم که اغلب حضور راوی را فراموش می‌کنیم. راوی همان کسی است که از سیر تا پیاز ماجرا خبر دارد و راز سر به مهر خود را به هرکس که خواهان دانستن است، می‌گوید. راوی بارها و بارها یک داستان را برای هر خواننده تکرار می‌کند و با هر شادی‌اش لبخند می‌زند، با هر غمش می‌گرید، نگران می‌شود، می‌ترسد، هیجان‌زده می‌شود، زنده می‌شود، می‌میرد و لحظه به لحظه با شخصیت‌ها زندگی می‌کند اما نمی‌تواند جلوی واقعه‌ای تلخ را بگیرد یا خود لحظه‌ای شیرین را رقم بزند. تنها گاهی دست مریزادی به نویسنده می‌گوید و گاه به جانش غر می‌زند. چه سخت است دانای کل بودن! دانستن و این همه نتوانستن!

کمی به اطرافمان نگاه کنیم. دلمان کتابچه‌ای است از یک دنیا روایت. هرکس، به نوبه خود، دانا به جریان‌هایی است که گاه حتی بازیگرانش از واقعیت ماجرا خبر ندارند. پیچیده‌تر از آن اینکه دانای هر جریانی خود بازیگر جریانی دیگر است. هرچه بزرگ‌تر می‌شویم، دانسته‌هایمان از دیگران و ندانسته‌هایمان از خودمان بیشتر می‌شود. زمان می‌گذرد و نگاهمان به هر ماجرا عوض می‌شود. اعتراف می‌کنم که بخشی از خاطراتمان این‌گونه رقم می‌خورد؛ همنشینی با نقش‌آفرینانی از کتاب روزگار که گاه بی‌آنکه خود بدانند، برگه‌های گمشده‌اش به دستمان می‌رسد. تلاش می‌کنیم همه را کنار هم بگذاریم تا ماجرا کمی روشن‌تر شود، شاید بتوان کاری کرد. به برگه سفید آخر که می‌رسیم، صبر می‌کنیم تا ناگفته‌ها جایشان را در روزگار پیدا کنند، به امید عاقبت به خیری...

آنقدر که تلاش می‌کنیم با هر قصه‌ای زندگی کنیم، حجم خاطراتمان از گنجایش عمرمان بیشتر می‌شود. گاهی به خودم می‌گویم خوش به حال راویان کتاب‌ها! لااقل جایی زندگی می‌کنند که سفره دلشان برای چهار نفر باز می‌شود، دانسته‌وندانسته‌شان همانی است که هست، نگاهشان در گذر زمان تغییر نمی‌کند و خاطراتشان تکرار تکرار است... در عالم ما دانا نمی‌تواند راوی باشد، باید خیلی حرف‌ها را قورت بدهد. این رازها باید سر به مهر بمانند. اما خودمانیم، آدمیم دیگر! این وجود کربنی تنها در شرایط سخت الماس می‌شود. همین دانسته‌های ناگفته است که پیکره روحمان را صیقل می‌دهد، رشدمان می‌دهد، بزرگمان می‌کند و تغییر می‌کنیم؛ همان چیزی که راویان کتاب تجربه‌اش نمی‌کنند. پس یکی به نفع خودمان!

طرح توسعه دانشکده عمران چیست؟

صفحه ۲

خارج از بودجه، به‌همت خیرین

عکس: میلاد مظفری

آشنایی با تریاک طبیعی مغز

واردات بیجا به تولید داخلی ضربه می‌زند!

صفحه ۵

از راه مهندسی چه خبر؟

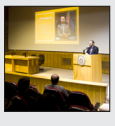

بسیج دانشجویی مدتی است در دانشکده‌ها بسیار فعال شده که نمود بارز آن را می‌توان ...
صفحه ۳

ردپای آب

سرانه مصرف آب ما در یک روز یا یک سال چه مقدار است؟ برای محاسبه این عدد، علاوه بر ...
صفحه ۴

بخش فراموش‌شده اقتصاد ایران

وقتی از تالار بورس یاد می‌شود، تصویر افرادی که جلوی تابلوهایی پر از عدد و رقم ...
صفحه ۶

دانشجویی که هویج نباشد دانشجو نیست

نشـریه «ایستا»ی دانشـکده عمران مصاحبه‌ای با دکتر محسـن قائمیان، رئیس این دانشـکده، داشته اسـت. چیزی که توجه ما را به خود جلب کرد، خواندن این جملات از زبـان او بود: «دانشـجو وظیفه‌ای جـز درس خواندن ندارد» یا «دانشـجوی خوب دانشجویی است که سیاسی نباشد و درس بخواند». در این مصاحبه چند بار دیگر هم با این گونه جملات روبه‌رو شدیم. ما که متوجه نشدیم با این تعاریف ایشان فرق دانشجو و دانش‌آموز چیسـت و چطور همه جای دنیا دانشـجویان تاثیرگذار بوده‌اند. نمونه‌اش همین دانشجویان MIT که به خاطر اقدامات غیرحقوق بشری سعودی‌ها از مسئولان دانشگاهشان خواسته‌اند ارتباط خود را با بن سلمان قطع کند. قائمیان در مورد استادان راهنمای دانشکده‌اش نیز گفته بود که آنها با دانشجویان ارتباط خوبی دارند و اعتراضی از سـمت دانشجویان نسبت به آنها وجود ندارد. مشخص است دکتر قائمیان روزنامه را نمی‌خواند! در شـماره ۷۶۴ روزنامه میزان رضایت از استادان راهنما در دانشکده‌های مختلف درج شده بود. عمران آمار خوبی نداشت و مثلا در شاخص «آداب معاشرت استاد راهنما» بین تمام دانشکده‌ها بدترین نمره را گرفته بود. دکتر قائمیان، لابد عقیده دارید استاد دانشگاه هم فقط باید وظایف آکادمیک خود را انجام دهد و وظیفه دیگری ندارد. اشکال ندارد، اما پیشنهاد می‌کنیم که حداقل مطالب مربوط به دانشکده خودتان را در روزنامه بخوانید تا بیشتر در جریان امور اطرافتان باشید.

حسام‌الدین میرجلیلی

میـز نشـریات این شـماره را بـا «فروغ» انجمن اسـلامی دانشـجویان، متعلق به واحد مطالعات و حقوق زنان این تشـکل، آغاز می‌کنم که بالاخره نخسـتین شماره نیم‌سـال آن یکشـنبه این هفته منتشـر شد. نشـریه زنان انجمن اسلامی در یکی از مقالاتش بار دیگـر ماجرای قدیمی اما جنجال‌برانگیـز یکی از اسـاتید متهم به تعرض بـه یکـی از دانشـجویان دختر را در دانشـکده هوافضا مطرح کـرده بود. پیگیری مطالبه محقق‌نشده دانشجویان ایـن دانشـکده را از نکات قابل سـتایش این نشـریه می‌توان دانسـت. طرح جلد این نشـریه گرچه خلاقانه به نظر می‌آمد، از مولفه جذابیت بهره‌ای نداشـت. اما در مورد صفحه‌آرایی آن می‌توان به سادگی و شلوغ نبودنش در عین برخورداری از یک رنگ‌بندی مناسب اشاره کرد.

دیگر نشـریه این هفته میز نشـریات «در دانشـکده» انجمـن علمـی دانشـکده مهندسـی شـیمی بود که با طرح جلدی رمزآلود یک نشـریه جذاب دانشـکده‌ای را نوید مـی‌داد. بچه‌هـای انجمن علمی کیمیـا در پرونـده ویـژه ایـن شـماره از نشریه‌شـان به بحث ورود تشکل بسیج به دانشکده‌شان پرداخته بودند؛ پرونده‌ای که آن را پیوسـتی از نمودارهای رنگارنگ همراهی می‌کرد تا پشتوانه‌ای آماری باشد برای آنچه در دانشکده‌ای‌ها در مخالفت با حضور بسـیجیان تحت تشکلی جدا برای فعالیت‌های دانشـجویی فریاد می‌زدند. به طور کلی، این شـماره از نشریه انجمن کیمیا از تنوع خوبـی در محتوا برخوردار بود و در کنار توجه به مسـائل دانشـکده، جایـی را برای مسـائل فرهنگی مخاطب هم‌دانشکده‌ای خود هم در نظر گرفته بود.

«خمـش» دانشـکده مکانیـک دیگـر نشریه‌ای بود که این هفته به چاپ رسید. این نشـریه هم به طرز اعجاب‌انگیزی(!) پرونـده اصلی خـود را به ورود بسـیج به عرصـه رقابـت بـا فعالیت‌هـای انجمن علمـی ایـن دانشـکده اختصـاص داده بـود. برخلاف طـرح جلـد مفهومی «در دانشـکده»، طرح خمش بدون جذابیت و حتـی مفهومی خاص بـود. مطالب این شـماره از نشـریه انجمن علمی محور از تنوع خوبی برخوردار بود و آن را ضمیمه‌ای علمی به نام «برش» برای آشـنایی بیشتر مخاطبان با مسائل علمی حوزه مهندسی مکانیـک همراهـی می‌کـرد. مهم‌ترین نقطه‌ضعف خمش را می‌توان صفحه‌آرایی آن دانسـت؛ ضعفی که بیشـتر خود را در نبود یکپارچگی در طراحی نشان می‌داد. حتی خلاقیت‌های سوال‌برانگیزی چون شـماره‌گذاری صفحات با اعـداد یونانی بهبودی در نقص اصلی ایجاد نمی‌کرد.

طرح توسعه دانشکده عمران چیست؟

خارج از بودجه، به همت خیرین

گزارش چند ماهی است که در شمال دانشکده عمران کارگران حسابی مشغول کارند. بعضـی وقت‌هـا هـم آنقـدر دم و دستگاهشـان دود و سر و صدا دارد که کنجـکاوی رهگـذران را برمی‌انگیزد. کمی درباره این پروژه تحقیق کردیم. سـابقه بحث توسعه دانشـکده عمران به بیش از ۱۰ سـال پیش برمی‌گردد. وضعیـت موجود دانشـکده جوابگوی تعداد دانشجو، اسـتاد و پژوهش‌های دانشکده نبوده و محدودیت فیزیکی، به گفته دکتر مرتهب استاد دانشکده که پیگیر این مسائل است، فرصت توسعه را از دانشکده گرفته بود. بالاخره امسال یک خیّر پیدا شد و هزینه و اجرای پروژه توسعه دانشکده را بر عهده گرفت.

ردیف بودجه‌ای که خیّر تقبل کرد

همه به یـاد دارند که چند سـال پیش محدوده‌ای برای توسـعه دانشکده در نظر گرفته شـد ولی پیشرفت و اقدامی فیزیکی در آن به چشم نخورد. پس چرا حصار کشـیده شـده بود؟ ایـن پروژه ردیـف بودجـه دولتی داشـت و حتی مسئولان اجرای کار نیز مشخص شده بودنـد. قرار بـود کار توسـعه مجموعه همراه با دانشـکده مواد آغاز شود ولی به دلیل عدم تامین بودجه عقب افتاد. چند ماه قبل گروه سـرمایه‌گذاری تات که یکـی از فعالیت‌هـای اصلی‌اش در حوزه عمران اسـت، به دانشگاه اعلام کرد که پروژه توسعه دانشکده عمران را به صورت EPC بر عهده خواهد گرفت. این حرکت خیریه‌واکنش‌های مختلفی در سـطح اسـتادان و مدیران دانشگاه داشت. برخی معتقد بودند که این هزینه چون خارج از بودجه اسـت، بهتر است صرف پروژه‌های بهتری شـود. مثالش هم پروژه‌هایی بود که یـا ردیف بودجه نداشتند یا در حال تکمیل و پایان بودند، مثل ساختمان جدید آموزش در خیابان قاسـمی. اما به هر حال تصمیم آخر را خود مجموعه تات گرفت و کار دانشکده عمران با سرعت آغاز شد.

به چه امید داشته باشیم؟

مصاحبه بچه‌های نشـریه «ایسـتا»ی عمـران را با رئیـس دانشـکده، دکتر قائمیـان، خواندیـم و تقریبا هیچ‌چیز از آن دسـتگیرمان نشـد. حرف دکتر قائمیان این بود که طرح توسعه مصرف آموزشـی و آمفی‌تئاتر خواهد داشت. طـی ۲ روز چند بـار هم تلفـن کردیم کـه در حد ۵ دقیقه سـوالات خود را از وی بپرسـیم اما ناکام ماندیم! بالاخره دکتر مرتهب، مطلع‌تریـن فرد از پروژه را پیدا کردیم.

پروژه‌ای که اکنون دارد اجرا می‌شـود، بر اسـاس یک طـرح مفهومی اسـت و جزئیـات آن هنوز مشـخص نشـده. دکتر مرتهـب به روزنامه گفـت که اول دسـامبر مشـاور فرانسـوی پـروژه به ایـران خواهد آمد و جزئیات نهایی را به دانشـگاه ارائه خواهـد داد. اما آنچه تا الان مشخص شده عبارت است از یک سـاختمان با ۳ طبقه در ضلع شـرقی و ۴ طبقـه در ضلع غربی کـه تعدادی از آزمایشـگاه‌های دانشکده را در خود جا خواهد داد. آزمایشگاه‌های مهمی چون خاک، هیدرولیک و سـازه در این مجموعـه مسـتقر خواهند شـد. خبر خـوب و از جنس توسـعه، پیش‌بینی کارگاه گرایش جدید مدیریت سـاخت و همچنین آتلیه‌ای برای رشـته جدید مهندسی معماری است که در این طرح مفهومی دیده شده. وقتی در خصوص پارکینگ‌های پشـت دانشکده عمران پرسیدیم، جواب دکتر مرتهب این بود که نه‌تنها پارکینگ‌های اشغال‌شده فعلی آزاد خواهند شـد، بلکه بخشی از خود ساختمان نیز پارکینگ خواهد داشت. همچنین بناسـت تعدادی از اتاق‌های مجموعه جدید به استقرار دانشجویان دکتـری و اسـتادان اختصـاص یابد و بخشی از آن هم به کلاس تبدیل شود که جزئیات آن در همان دسامبر مشخص خواهد شد.

تحریم‌های مزاحم

تمـام کارهای ایـن پـروژه از طراحی و سـاخت تـا راه‌انـدازی بـا مجموعه تـات اسـت. آنهـا در ابتـدای کار با ۳ مشاور خارجی تا آسـتانه توافق نهایی پیـش رفتند کـه در نهایـت واحدهای حقوقی آنها به دلیل تحریم‌های ایران و همچنین خود دانشگاه شریف، از ورود به این پروژه خودداری کردند.

هزینه‌های پروژه ابتدا ۴۰ تا ۵۰ میلیارد تومان تخمین زده شده بود که با توجه به افزایش شـدید قیمت‌ها، پیش‌بینی می‌شـود ایـن هزینه‌ها افزایـش یابد. مدت پـروژه نیز حـدود ۲ سـال و نیم پیش‌بینی شـده اسـت که دانشـکده عمران ظاهـرا از پیشـرفت کار راضی است.

عکس خبری

نیم‌طبقه ساختمان رضایی، آرام ولی باصفا

دفتـر مطالعـات فرهنگی از جمله جاهایی اسـت کـه زیاد در صدر اخبـار دیـده نمی‌شـود اما همیشـه مخاطبـان خاص خـود را دارد. ایـن دفتر که امسـال فعال‌تر هم شـده اسـت، جلسات مختلفی از جمله نمایشـنامه‌خوانی، داستان‌خوانی و نمایش مسـتند را برگزار می‌کند. برنامه‌ای که دفتر مطالعات فرهنگی امسـال بـرای اولین بار بـه برگـزاری آن می‌پردازد، سلسله‌جلسـات بازخوانـی شـعر معاصر فارسـی اسـت که شـنبه‌ها سـاعت ۱۵ در این دفتر صورت می‌گیرد. این عکس هم مربـوط به یکـی از همین جلسـات اسـت. بـرای آگاهی بیشـتر از برنامه‌هـای این گـروه می‌توانیـد به کانـال تلگرام @SUTdaftarm مراجعه کنید.

عکس از کانال دفتر مطالعات فرهنگی

اولین DemoDay شریف

شتاب‌دهنده شریف نهادی است که به استارت‌آپ‌های شریفی (استارت‌آپ‌هایی که حداقل ۵۰ درصد از بنیانگذاران آنها دانشجو یا فارغ‌التحصیل شریف هستند) خدمت ارائه می‌دهد. این شتاب‌دهنده در نظر دارد اولین رویداد دمودی خود را ۲۹ آبان سال جاری در مرکز همایش‌های شهید قندی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات برگزار کند. هدف این رویداد، تبادل اطلاعات و شبکه‌سازی بین سرمایه‌گذاران، استارت‌آپ‌های شتاب‌دهنده شریف و افراد موثر در اکوسیستم کارآفرینی کشور است. علاقه‌مندان برای شرکت در این رویداد می‌توانند از طریق لینک زیر ثبت‌نام کنند. http://setak.sharif.ir/?p=11309

به دردمان نخورد

شورای صنفی مصاحبه‌ای با رئیس مرکز مشاوره درباره کارگاه‌های مهارت‌های زندگی برای ورودی‌های جدید انجام داد. خانم آقاجانی هدف مرکز مشاوره را از این برنامه آشنایی دانشجویان با این مرکز اعلام کرد. این در حالی است که از شرکت‌کنندگان هزینه دریافت می‌شود! وی همچنین گفت که در پرونده دانشجویان انصرافی عدم توانایی در مدیریت مشکل اصلی بوده است که در این کارگاه‌ها به آن پرداخته می‌شود. اما بخش جالب پرونده، نظرات دانشجویان ۸۷ تا ۹۶ بود. به طور مثال ۸۴ درصد آنها گفتند که اگر مجبور نبودند، در این برنامه شرکت نمی‌کردند و همچنین ۷۵ درصدشان اعلام کردند که به آنها گفته شده بود این برنامه اجباری است.

برنامه‌های پرتعداد بسیج دانشجویی برای ورودی‌های جدید

از راه مهندسی چه خبر؟

روزنامه: بسیج دانشجویی مدتی است در دانشکده‌ها بسیار فعال شده که نمود بارز آن را می‌توان برنامه‌های «راه‌مهندسی» دانست که چندسالی است برای ورودی‌های جدید برگزار می‌شود و معمولا استقبال خوبی هم از آنها صورت می‌گیرد. فضای این گزارش، به درخواست این تشکل، در اختیارشان قرار گرفت تا آنچه را در راه مهندسی ۹۷ در جریان است، به زبان خودشان به اطلاع مخاطبان روزنامه برسانند.

گزارش
احمد اثنی‌عشری

حالا دیگر این نهال ۷ ساله شده است و کم‌کم دارد میوه می‌دهد. «راه مهندسی»، ویژه‌برنامه بسیج دانشجویی برای نودانشجویان، ابتدای هر سال تحصیلی کلید می‌خورد. در طول سال واحدهای دانشکده‌ای بسیج برنامه‌های متعددی را تحت این عنوان در دانشکده‌های مختلف برگزار می‌کند. استقبال نودانشجویان وظیفه راه مهندسی را سنگین‌تر کرده است. در ۳ سال اخیر، هر سال بیش از ۶۰۰ نفر از ورودی‌ها در این ویژه‌برنامه ثبت‌نام کرده‌اند.

تیم راه مهندسی چه کسانی هستند؟

هر دانشکده یک تیم راه مهندسی دارد که از دانشجویان سال دوم و سوم به اضافه یکی ۲ نفر از موفق‌ترین دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های آن دانشکده تشکیل شده است که با مشورت استادان و سایر فعالان دانشجویی، مستقلا و با توجه به اقتضائات، برای راه مهندسی دانشکده خود برنامه را طراحی و تصمیم‌گیری می‌کنند. اما شاه‌کلید بهبود راه مهندسی تداوم آن در طول این سال‌ها و انتقال تجربه به صورت دانشکده به دانشکده است. فعالان دانشجویی در واحدهای دانشکده‌ای بسیج دانشجویی قبل از شروع سال تحصیلی دور هم جمع می‌شوند و به بیان تجارب خود در خصوص برنامه‌هایشان می‌پردازند، البته این روند در طول سال ادامه خواهد داشت. در سال تحصیلی جاری راه مهندسی افتخار دارد در دانشکده مهندسی شیمی از حضور آقای دلوی، در دانشکده صنایع از آقای مهروانفر، در دانشکده عمران از آقایان شریفی و امامقلی، دانشکده برق از آقایان کشاورز و بصیری، در دانشکده مکانیک از آقایان خاکدامن و سعیدنژاد، در دانشکده ریاضی و علوم کامپیوتر از آقای عزیزی، در دانشکده هوافضا از آقایان زجاجی و شوکتیان و در دانشکده مواد از آقای خدامرادی به عنوان دانشجویان تحصیلات تکمیلی بهره ببرد.

در افتتاحیه چه گذشت؟

امسال هم مانند سال‌های گذشته، راه مهندسی با ثبت‌نام در همکف ابن‌سینا و برگزاری افتتاحیه در ۱۰ مهرماه رسما آغاز شد. در این برنامه که حدود ۲۰۰ نفر از دانشجویان حضور داشتند میزبان دکتر رشتچیان معاون محترم آموزشی دانشگاه، دکتر شریف‌خانی استاد دانشکده برق و آقای غزنوی قائم‌مقام انجمن کارآفرینان ایران بودیم. دکتر رشتچیان در افتتاحیه به ملی بودن بسیج اشاره کرد و ضمن تقدیر از برگزارکنندگان راه مهندسی به بیان اهمیت نقش دوران کارشناسی در آینده هر فرد پرداخت و در ادامه مباحثی درباره اهمیت توسعه پایدار ارائه کرد. در ادامه، دکتر شریف‌خانی و آقای غزنوی به صورت جداگانه به بیان اهمیت دوران تحصیل در دانشگاه و اهمیت سال اول دانشجویی پرداختند. همچنین در این برنامه از برگزیدگان دوره گذشته طرح کاروژه تقدیر به عمل آمد. در پایان هم به ۳ نفر از شرکت‌کنندگان در مسابقه، به قید قرعه، یک دستگاه تبلت از طرف شرکت اسنوا اهدا شد.

راه مهندسی تاکنون چه کرده است؟

راه مهندسی تاکنون با تلاش تیم برگزاری هر دانشکده و همراهی استادان ۲۵ برنامه مجزا با موضوعات مختلف برگزار کرده است. در ابتدای کار، جمع‌بندی دانشکده‌ها با توجه به تجارب سال‌های گذشته این بود که برنامه‌هایی برگزار شود که نودانشجویان را با فضای دانشگاه و نحوه درس خواندن و گذراندن درس‌ها آشنا کند تا به خوبی بتوانند خود را با محیط جدید تطبیق دهند. در این برنامه‌ها، علاوه بر فارغ‌التحصیلان موفق، استادانی همچون دکتر حمزه لوییان و دکتر بازارگان در دانشکده مهندسی شیمی، دکتر نوازی و دکتر دهقانی در دانشکده هوافضا، دکتر فردمنش در دانشکده برق، دکتر عشقی و دکتر فتاحی در دانشکده صنایع، دکتر حسینی در دانشکده مکانیک، دکتر صفدری و دکتر ابراهیمی در دانشکده ریاضی و دکتر مداح در دانشکده مواد به راه مهندسی لطف داشتند و در برنامه‌ها شرکت کردند و دانشجویان را از مباحث خود بهره‌مند ساختند.

در آینده چه برنامه‌هایی داریم؟

در حال حاضر در ایام برگزاری امتحانات میان‌ترم قرار داریم. در این زمان بچه‌های راه مهندسی نمونه سوالات درس‌ها را تهیه می‌کنند و در اختیار نودانشجویان قرار می‌دهند. بعضی از دانشکده‌ها نیز با همراهی انجمن‌های علمی، کلاس‌های رفع اشکال برای ورودی‌ها تدارک دیده‌اند که این مرحله هم به خوبی طی شود. همچنین، در حالی که نودانشجویان در حال گذراندن امتحانات میان‌ترم هستند، دست‌اندرکاران راه مهندسی در هر دانشکده در تلاشند بازدیدهای ویژه‌ای مختص ورودی‌ها پس از میان‌ترم‌ها تدارک ببینند. این بازدیدها با بازدیدهای معمول متفاوت است و اختصاصا برای ورودی‌های دانشکده‌ها با توجه به نیازشان و اقتضائات طراحی می‌شود. راه مهندسی در ادامه با توجه به این که نودانشجویان حالا با فضای دانشگاه آشنا شده و با درس کنار آمده‌اند، در نظر دارد در قالب‌های مختلف و متناسب با نیازهای مخاطبان برنامه‌هایی را برگزار کند که این عزیزان به خوبی با آینده رشته خود و فضای کاری آن و موضوعاتی که در کشور وجود دارد و دانشجویان می‌توانند روی آنها در آینده کار کنند، آشنا شوند.

سخن آخر

راه مهندسی اولین گام از برنامه‌های علمی واحدهای دانشکده‌ای بسیج در دوران کارشناسی است. گام دوم «چالش با صنعت» و گام سوم «کاروژه» است که در آینده به توضیح آنها خواهیم پرداخت. طرح راه مهندسی می‌خواهد تکمیل‌کننده و کمک‌کننده به سیستم آموزشی دانشگاه باشد تا بتواند در بهبود وضعیت دانشگاه موثر باشد. برای دستیابی به این هدف، بهترین کمک، نظرات و انتقادات سازنده و همراهی و همفکری افرادی است که برای اعتلای دانشگاه تلاش می‌کنند.

یادداشتی بر پرونده شماره ۷۸۶ روزنامه شریف با موضوع آمریکا

سلام و عرض احترام
خدا قوت بابت زحمات شما در نشریه
حقیر دانشجوی مقطع ارشد فلسفه علم دانشگاه هستم.
غرضم از ارسال این ایمیل هم در عنوان آمده. واقعیتش با خودم کلنجار می‌رفتم برای اینکه این حرف‌ها را مطرح کنم یا نه، چون مطمئن نیستم تاثیر داشته باشد یا بازتاب داده شود. اما به هر حال امید به حق‌پذیری شما بستم.
چیزی که حسابی شوکه‌ام کرد تیتر اصلی، طرح روی جلد و در پی آن، مطلب عجیب صفحات ۴ و ۵ روزنامه بود. قبل از مواجهه با این مطلب فکر می‌کردم روزنامه شریف یک روزنامه جناحی و ناپخته نیست، اما با این مطلب که رودررو شدم، چیزی در حد صد و هشتاد درجه خلاف این باورم را نشان می‌داد!
بزرگوار! اگرچه قصد شما نمایش نظر عمومی جامعه دانشگاه بوده، اما به نظرم به طرزی انکارناپذیر قبول دارید که حداقل طرح سوالات و تصاویر انتخابی‌تان غرض‌ورزانه و جهت‌دار بوده، بعید است که منکر این حقیقت شوید.
اما برای واقع‌نماتر بودن نظرسنجی و تذکر چند مطلب مهم و تاریخی درباره «آمریکا»، چند سوال برای نظرسنجی پیشنهاد می‌دهم:
۱- تا چه حد از تاریخ آمریکا مطلع هستید (به ویژه تاریخ معاصر)؟
۲- آیا باور دارید که آمریکا به نحوی مداخله‌جویانه و تنها در راستای منافع سیاسی خود، در کمتر از صد سال اخیر در مسائل حاکمیتی ایران مداخله کرده است؟
۳- به نظر شما سازش با آمریکا هزینه بیشتری دارد یا چالش و مقاومت؟
۴- دستاورد مذاکرات با آمریکا در تاریخ پس از انقلاب را تا چه حد مطلوب می‌دانید؟
۵- حتی اگر موضوع مذاکره با آمریکا کاهش قدرت دفاعی و موشکی باشد، باز هم با مذاکره موافقید؟ اصولا خط قرمزی برای مذاکره و سازش قائل هستید؟
۶- آیا آمریکای اوباما با آمریکای ترامپ تفاوت دارد؟
۷- آیا می‌دانستید که در داخل خاک آمریکا هم پرچم آمریکا در تظاهرات خود مردم آمریکا به آتش کشیده شده است؟
اینها پاره‌ای از پرسش‌های قابل طرح دیگری است که تامل در پاسخشان به نحوی بی‌طرفانه شاید بتواند چهره شفاف و «بزک نشده‌ای» از آمریکا نشان دهد. خیلی هم انتظار طرح نظرسنجی در این باره ندارم، فقط انتظار تامل دارم و اینکه هیچ‌وقت تاریخ پرفراز و نشیب معاصرمان را فراموش نکنیم، با محوریت شرارت‌های تاریخ‌نگاشته و شفاف چهره‌ای که در روزنامه شنبه ۱۹ آبان بزک شد.

نگاهی به مصرف آب در زندگی روزانه

ردپای آب

محیط‌زیست

محمدجواد هاشمی

سرانه مصرف آب ما در یک روز یا یک سال چه مقدار اســت؟ برای محاسبه این عدد، عــلاوه بر مصارف معمــول آب در زندگی روزمره (آشــامیدن، نظافت، شست‌وشــو، پخت و پز و...)، باید مصارف دیگر را هم در نظر گرفت، مثل آب مورد نیاز برای صنعت فولادسازی، تولید محصولات کشاورزی و حتی ارسال یک بسته از طریق پست! ردپای آب مقدار آب اســتفاده شــده بــرای تولید هر محصول یــا ارائــه خدمتــی را در زندگــی روزانــه مــا بیــان می‌کنــد و از ۳ جــزء تشــکیل شــده اســت: ســبز، آبی و خاکســتری. ایــن اجــزا در کنــار هــم یــک تصویــر کلــی را از منابــع آبی اعــم از ســطحی و زیرزمینــی کــه مصرف شــده‌اند ترســیم می‌کنند.

ردپای آبی: عبارت اســت از آب ســالمی که از منابع سطحی مثــل چشــمه‌ها و منابــع زیرزمینی بــرای تولیــد محصولات یــا ارائــه خدمــات فــردی و اجتماعــی مــورد اســتفاده قرار گرفته است.

ردپای سبز: عبارت است از آب باران و برف (به طور کلی منابع آب ناشــی از بارش) که در عمق خاک نفوذ می‌کند و توســط گیاهان مصرف یا از سطح آنها تبخیر می‌شود. این ردپا به طور اختصاصی به کشــاورزی، باغبانــی و محصولاتی که از طریق جنگل‌ها تولید می‌شوند، ارتباط دارد.

ردپــای خاکســتری: ردپای خاکســتری عبارت اســت از آب آلوده‌ای کــه با تولید تمام محصــولات و ارائه خدمات فردی و اجتماعی به وجود می‌آید و همچنین آبی که برای رقیق‌سازی آلودگی‌ها برای رسیدن به حد استاندارد مورد نیاز است.

واقعیاتی در مورد ردپای آب

- تولید یک کیلوگرم گوشت گاو حدود ۱۵ هزار لیتر آب نیاز دارد که ۹۳ درصد آن جزو ردپای سبز، ۴ درصد ردپای آبی و ۳ درصد ردپای خاکستری است.
- برای تولید یک همبرگر سویا حدود ۱۶۰ لیتر آب نیاز است در حالی که برای تولید یک همبرگر با گوشــت گاو حدود هزار لیتر آب مصرف می‌شود.
- ســرانه ردپای آب هر فرد چینی در سال حدود ۱۰۷۰ متر مکعب است که حدود ۱۰ درصد آن در خارج از مرزهای این کشور مصرف می‌شود (به واسطه واردات کالا، محصولات کشــاورزی و خدماتی که در ســایر کشــورها تولید و ارائه شده‌اند).
- ســرانه ردپای هر فرد ژاپنی در سال حدود ۱۳۸۰ متر مکعب است که حدود ۷۷ درصد آن خارج از مرزهای ژاپن اتفاق افتاده است.
- ســرانه ردپای هر فرد آمریکایی حــدود ۲۸۴۰ متر مکعب اســت که حدود ۲۰ درصــد آن خــارج از مرزهای ایالات متحده به مصرف رسیده است.
- تفکیــک ردپای آبی هر فرد نشــان می‌دهد که ۷۴ درصد آن ردپای ســبز، ۱۱ درصد ردپای آبی و ۱۵ درصد ردپای خاکستری است و محصولات کشاورزی ۹۲ درصد ردپای آبی هر فرد را تشکیل می‌دهند.
- کمبــود آب حداقل برای یک ماه از ســال بر زندگی حدود ۲/۷ میلیارد نفر از انسان‌ها تاثیرگذار است.

منبع: waterfootprint.org

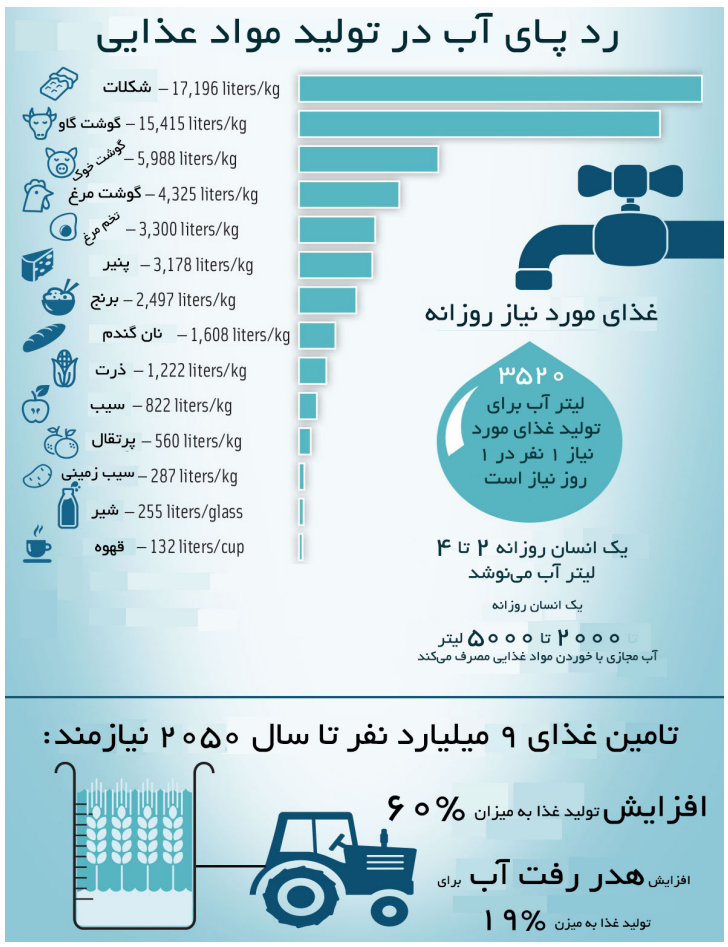

آیا ما توسعه یافته‌ایم؟

محمد فلاحی

ما ایرانی‌هــا معمولا ادعاهای زیادی دربــاره هوش بالا، هنر زیــاد، زیرکی بســیار، مهمان‌دوســتی، مهربانــی و همه چیزهای خــوب و عالی دیگــر دنیــا داریم. امــا شــرایطی که از جنبه‌هــای مختلــف بــر کشــورمان حکمفرماست، داستان دیگری را روایت می‌کند. در جهان امروز شاید بتوان همه چیزهای خوب را در توسعه‌یافتگی تعریف کرد و البته باید توجه داشــت که توســعه چیزی متفاوت با رشــد و پیشرفت صرف است. این موضوع را با یک مثال می‌توان روشــن‌تر کــرد. نمــودی ســاده از توسعه‌یافتگی می‌تواند این باشد که وقتی بر صندلی خودرویی نشستید، چه راننده باشید و چه سرنشین، قبل از این که کسی به شــما بگویــد، کمربند ایمنــی خود را ببندید. البته لازمه انجام این کار این است کــه هــم از قوانیــن آگاه باشــید و هم از خطرات نبستن کمربند ایمنی.

مثــال دیگــر توســعه‌یافتگی را می‌توان تفکیک پسماند دانست. ۲ سال است که گروه دوســتداران محیط زیســت شریف طرح تفکیک پســماند را در ســلف‌های دانشگاه با قرار دادن ۳ سطل رنگی اجرا کرده اســت. یکــی از آنها برای پســماند غذا، یکی برای پسماند خشک و دیگری پســماند نان است. مســاله این است که هنوز وضعیت تفکیک پسماند در بخشی از سلف دانشــگاه اصلا مناسب نیست. منظور از بخشــی هم در اینجــا با کمال تاسف سلف پســران است و خوشبختانه دختران دانشــگاه در ایــن زمینه کارنامه بسیار خوبی دارند.

قصد دارم به مثال کمربند ایمنی برگردم. در آنجا شرط بستن کمربند، در قالب یک عمل خودخواســته و نه دستوری، واقف بودن به قوانین و خطرات نبستن آن بود. در مورد الزام تفکیک پسماند، قانونی در کشــور ما وجود ندارد اما حداقل از قشر تحصیلکرده جامعه این انتظار وجود دارد کــه از فواید ایــن کار و ضررهای تفکیک نشدن پسماند آگاهی داشته باشد.

بــرای اطلاع باید بگویم که پســماند غذا قابلیت تبدیل شدن به کود گیاهی و انرژی را دارد و لازم به بیان نیســت که پســماند خشــک هم قابلیــت بازیافــت دارد. اگر فکر می‌کنید تفکیک کردن پسماندها از سوی شما بی‌نتیجه می‌ماند، باید بگویم کــه ســخت در اشــتباهید. پیمانکاران شــهرداری هر روز پسماندهای دانشگاه را تحویل می‌گیرند و آنها که تفکیک شده باشند، به چرخه بازیافت می‌روند ولی آنها که تفکیک‌نشده و مخلوط هستند، سر از کهریزک درمی‌آورنــد و با بوی خود مردم کهریزک و شورآباد و مسافران فرودگاه امام خمینی(ره) را آزار می‌دهند.

پسرها! بیایید کمی توسعه‌یافته‌تر باشیم! جدا کردن پســماندها و ریختــن آنها در سطل‌های مخصوصشان کمتر از ۱۵ ثانیه از وقت شما را می‌گیرد.

شریف آشغال

هفته گذشــته آســمان شــریف بارانی و حال و هــوای آن پاییزی بود. اما این باعث نشــد کــه بچه‌های شــریف آشــغال از برپــا کردن غرفه خود دســت بکشــند. خانواده شــریف هــم بــا آوردن کاغذهــای خــود از آنهــا به گرمــی اســتقبال و هوای ســرد را برای‌شــان دلنشین کردند.

میزان کاغذهای جمع‌شــده در غرفه این هفتــه باز هم افزایش یافت و حدود ۸۰ کیلوگرم کاغذ جمع‌آوری شــد تا نســبت به ۲ هفته گذشــته ۲۰ کیلوگرم افزایش داشته باشد. در این هفته باز هم یک چهره جدید به صدر جدول شــریف آشغال راه یافت. این چهره آقای سلمان شفیع از پژوهشکده حمل و نقل بود که توانست خانم گودرزی را کنار بزند و حداقل تا ۲ هفته آینده در صدر جدول شریف آشغال بماند. همچنین خانم امینی توانست برای اولین بار خود را به رتبه سوم برساند.

آخرین رده‌بندی جدول شریف آشغال

صعود در جدول	امتیاز	گروه	فرد تحویل‌دهنده
+ بینهایت	۸۷۱۶۷	پژوهشکده حمل و نقل	سلمان شفیع
-۱	۵۰۶۹۹/۱	مجمع دختران	شقایق گودرزی
+ بی‌نهایت	۳۳۰۹۳/۴	شورای صنفی مرکز	فاطمه امینی
+۱	۳۴۷۴۳	معاونت فرهنگی	آقای طیبی
-۲	۲۷۳۱۷	گروه دوستداران محیط زیست	ساجد کریمی

آشنایی با تریاک طبیعی مغز

واردات بیجا به تولید داخلی ضربه می‌زند!

روانشناسی

علی عباسی

مواد مخدر از جمله موضوعاتی است که بشر همواره با آن درگیر بوده است. اما جالب است که بدانیم خود مغز نیز این مواد را تولید می‌کند. مغز ما ماده‌ای ترشح می‌کند که نام علمی آن اپیات (opiate) است و با نام تریاک طبیعی مغز شناخته می‌شود. بد نیست مروری داشته باشیم بر اینکه کاربرد تریاک طبیعی مغز چیست و چرا مصرف مواد مخدر آسیب‌زا به شمار می‌رود؟

تریاک طبیعی مغز ۲ وظیفه بسیار مهم بر عهده دارد: یکی ایجاد حس سرخوشی یا به عبارتی نشئگی در فرد و دیگری کاهش درد. شاید از پزشکان شنیده باشید که ابتلا به سرماخوردگی به خاطر ویروسی نیست که وارد بدن شده، بلکه بر اثر ویروسی است که همیشه در بدن وجود داشته و اکنون به دلایل مختلف فعال شده است. درد هم درست همین‌طور است. درد همواره در بدن ما وجود دارد ولی ما به دلیل وجود همین اپیاتی که مغز تولید می‌کند، آن را حس نمی‌کنیم. مثلا وقتی شما توپی را شوت می‌کنید یا دست رفاقت بر شانه کسی می‌زنید، دست و پایتان درد می‌گیرد، ولی به خاطر وجود تریاک طبیعی مغز آن را حس نمی‌کنید.

حال پرسش اینجاست که وقتی ما به مصرف مواد مخدر روی می‌آوریم، چه اتفاقی در مغزمان رخ می‌دهد؟ در نوروسایکولوژی قانونی هست که می‌گوید اساس عملکرد مغز اقتصادی است. یعنی مغز چون انرژی و ظرفیت محدودی دارد، تا جایی که می‌تواند، در مصرف

انرژی صرفه‌جویی می‌کند. فرض کنید مغز هر روز ۵۰ واحد اپیات تولید کند و شخص برای رسیدن به حس سرخوشیِ بیشتر ۵ واحد ماده مخدر استعمال کند. در نتیجه میزان این ماده در مغز به ۵۵ واحد می‌رسد و شخص احساس شگفت‌انگیزی پیدا می‌کند! اما ماجرا به اینجا ختم نمی‌شود. مغز وقتی می‌بیند ۵ واحد ماده مخدر از بیرون وارد شده است، میزان تولیدش را به ۴۵ واحد کاهش می‌دهد تا بتواند انرژی خود را در جای دیگری مصرف کند. دفعه بعد شخص مورد نظر مجبور است برای رسیدن به حس خوبی که قبلا تجربه کرده است، ۱۰ واحد مصرف کند. اما باز هم مغز تولید خود را کاهش می‌دهد. این روند ادامه پیدا می‌کند تا جایی که کار تولید اپیات در مغز به کلی مختل می‌شود و شخص دارو و ندار خود را برای مصرف ماده مخدر از دست می‌دهد. حال در چنین شرایطی کافی است که ماده مخدر به دست فرد نرسد! نه تنها ماده‌ای از بیرون وارد بدن نمی‌شود، بلکه اراده‌ای هم در مغز برای تولید اپیات وجود ندارد و اینجاست که دردی جانکاه سراسر بدن فرد را فرامی‌گیرد. تا زمانی که مغز متوجه شود دیگر وارداتی در کار نیست و باید تولید داخلی را مجددا از سر بگیرد، ممکن است ماه‌ها طول بکشد. داستان پرماجرای ترک اعتیاد از همین جا شروع می‌شود!

روستای چینی ایران

سارا شکوهی‌نیا

حوالی ساعت ۷ صبح از اصفهان راهی الیگودرز شدیم. ظهر به آبشار آب سفید رسیدیم و پس از توقفی کوتاه به سمت روستای بزنوید راه افتادیم. در قسمت ورودی این روستا قبرستانی باستانی وجود دارد که پوشیده از مجسمه‌هایی به شکل شیر سنگی است. مردم این روستا روی سنگ قبر مردان شجاع خود مجسمه‌ای از شیر که نمادی از شجاعت و دلیری است، قرار می‌دهند. تصویر دیگری که در این قبرستان توجهم را به خود جلب کرد، تصویر تسبیح و مهر بود روی سنگ قبرها.

هنگام ناهار مهمان خانه آقامحمود بودیم؛ خانه‌ای روستایی و باصفا با غذایی خوشمزه به همراه ترشی انار، چای با طعم لیمو و گپ و گفتی دوستانه. دفعه قبل زینب ماجرای ازدواجش را برایم تعریف کرد که چطور پس از سال‌ها خانواده عمویش به روستا برگشته و او بی‌خبر از همه جا در حالی که گله را به بالای کوه برده بود، با پسرعمویش رو به رو شده بود و...

این بار از او در مورد مدل موهایش سوال کردم. از آداب و رسوم زنان عشایر این است که موهای خود را به طرز مخصوصی می‌آرایند. در جلوی سر، موها را از وسط باز می‌کنند، سپس کناره‌ها را تاب می‌دهند و از کنار صورت رد می‌کنند و زیر گلو آن ۲ طره را به هم گره می‌زنند. آنها موهای بلند پشت سرشان را هم به زیبایی می‌بافند. زینب از کودکی تاکنون موهایش را این گونه

می‌آراید، هرچند دوست او ساحل و در کل نسل جوان روستا تمایلی به این مدل مو ندارند.

مقصد بعدی‌مان روستای خویه بود. در طول مسیر که از پیچ و خم کوه‌ها می‌گذشتیم و بالا و پایین می‌رفتیم، هوا کاملا ابری بود. کم کم رعد و برق نیز شروع شد و آنقدر شدت گرفت که نور آن آسمان را کاملا روشن می‌کرد و صدایش نیز ما را به وحشت می‌انداخت. تصمیم گرفتیم شب را در روستای چین توقف کنیم تا آسمان اندکی آرام‌تر شود. صبح، بعد از نماز، در روستا چرخی زدم. خانواده‌ای گله‌شان را به چرا می‌بردند و یک نفر هم به دنبال هیزم برای فصل سرما راهی کوه شده بود. تصویر هیزم‌هایی که اهالی روستا برای گذراندن زمستان کنار خانه انباشته بودند، زیباترین تصویری بود که آن روز صبح با آن مواجه شدم.

آن شب آقای سید حسن قلی میزبانمان بود و در طول شب قصه علیمردان خان و سیدال خان را برای‌مان تعریف کرد، اینکه چطور همسر سیدال خان برای اینکه به دست سرباز انگلیسی نیفتد، خودش را از کوه به پایین پرت کرد و بعدها وقتی پلاک سرباز را در دستان آن زن پیدا کردند، بختیاری‌ها انتقام خون او را گرفتند. عشایر قصه‌های بسیاری برای تعریف دارند.

او همین حوالی در انتظار ماست

زینب محبی

چند روزی بود یک مرد میانسال با موهای جوگندمی که سر ظهر به پارک می‌آمد و تنها در گوشه‌ای می‌نشست، کنجکاوی‌ام را برانگیخته بود. آن زمان هر روز دخترم را بعد از مهدکودک به آن پارک می‌بردم. پسرهای دبیرستانی بعد از تعطیلی مدرسه به پارک می‌آمدند و دقایقی بازی می‌کردند و می‌رفتند. کم کم مرد میانسال سر صحبت را با آنها باز کرد و دوستی بینشان شکل گرفت. بعد از چند روز محل صحبت‌هایشان به آلاچیق انتهای پارک منتقل شد و بعد از مدتی دیدم یکی از پسرها تنها به سراغ آن مرد رفت و روش مصرف را از او یاد گرفت و با احساس پیروزی از او دور شد. به همین سادگی. پارکی در چند قدمی یک کیوسک نیروی انتظامی و چندین مدرسه دخترانه و پسرانه و یک دانشگاه بزرگ.

سال‌هاست با این قضیه درگیریم که با پدیده اعتیاد چگونه برخورد کنیم؛ اینکه به معتاد به چشم مجرم بنگریم یا بیمار. اما آنچه از نظر ما دور مانده، علل روی آوردن به اعتیاد و پرداختن به آنهاست که اگر نبودند، هر روز بالا رفتن آمار معتادان را نمی‌شنیدیم. در نهایت به جایی می‌رسیم که برای داشتن آمار دقیق معتادان، خرید و فروش و مصرف مواد مخدر را آزاد و قانونی اعلام می‌کنیم. الان دیگر اعتیاد مختص قشر پایین جامعه نیست و بین سطوح بالای اجتماع و تحصیلکرده‌ها هم شیوع چشمگیری دارد. دانشگاه ما هم از این آسیب اجتماعی به دور نیست ولی به نظر می‌رسد کار ویژه‌ای برای جلوگیری از آن، جز درآوردن آمار دانشجویان درگیر اعتیاد، آن هم به صورت تصادفی و هر چند سال یکبار، صورت نمی‌گیرد. انگار کسی در این میان خودش را مسئول سلامتی جسم و روان دانشجو و آینده کشور نمی‌داند.

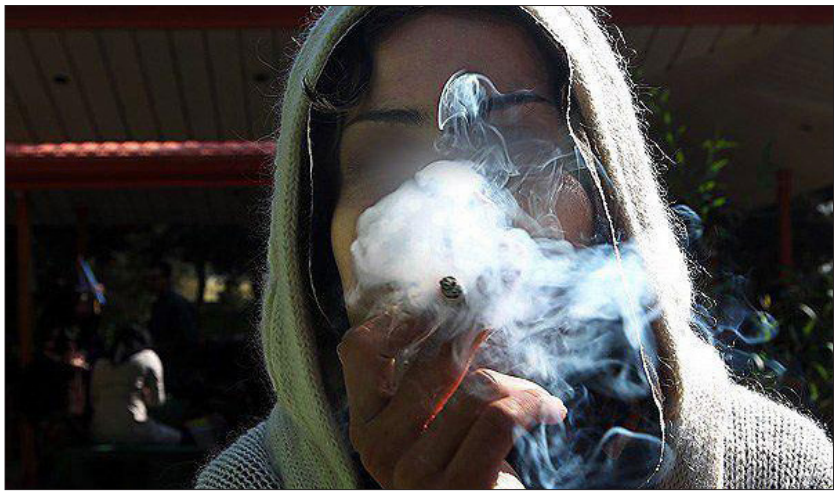

شاید بحث در مورد اعتیاد و عوامل آن و توصیه‌های پیشگیرانه کلیشه شده باشد ولی آمارها به حد هشداردهنده رسیده‌اند و همه ما مثل کبک سرمان را در برف فروبرده‌ایم. شاید بد نباشد گاهی از خواب بیدار شویم و به اطرافمان خوب نگاه کنیم، مخصوصا اگر در دانشگاه مسئولیتی داریم یا متولی فرهنگ محسوب می‌شویم. برای منِ دانشگاهی تهیه جنس در حد تهیه یک بسته آدامس از سوپرمارکت راحت و آسان است و حتی شاید از آن هم ساده‌تر باشد. فشاری که بر دانشجوی شریف وارد می‌شود، آنقدر زیاد است و فضای این دانشگاه چنان سرد و بی‌روح و حس مسئولیت ما شریفی‌ها نسبت به هم ناچیز است که گاهی دانشجو برای جدایی از دردهایش چاره‌ای جز این راه راحت پیش رویش نمی‌بیند.

وقتی برای زیستن در ساختار واقعی جامعه بزرگ‌تر آماده نیستیم و آمادگی عاطفی لازم را برای مواجهه با مشکلات آن پیدا نکرده‌ایم، تنها هدفمان گذشتن از سد کنکور بوده و به جای مجهز شدن به ارزش‌های انسانی همیشه درگیر درس و تست بوده‌ایم، در اولین مواجهه با بخش کوچکی از دنیای واقعی راحت‌ترین راه را برای رهایی از احساس ضعف یا شکست جست‌وجو می‌کنیم.

درست است که بروز بخشی از این مشکلات به نقش خانواده و تاثیرش بر افراد برمی‌گردد ولی دانشگاه هم در شکل‌گیری شخصیت دانشجو بسیار موثر است، به خصوص که او بیشتر ساعات روز را در دانشگاه به سر می‌برد. البته از حق نگذریم و بدانیم که مسئولیت اصلی حفاظت از ما بر عهده خودمان است و از ما به عنوان نخبگان مملکت حداقل انتظاری که وجود دارد، این است که آگاهی خود را از این موضوع افزایش دهیم.

داستان هدهد

علیرضا محمودزاده

وقتی به استارت‌آپ‌های بزرگ فکر می‌کنیم، احساس می‌کنیم که می‌توان یک راه صد ساله را یک‌شبه رفت و به کلی پول رسید ولی واقعیت این نیست. واقعیت این است که بیش از ۹۰ درصد استارت‌آپ‌ها در جهان شکست می‌خورند. نوشته پیش‌رو حاوی نکاتی کوتاه درباره استارت‌آپی با ۳ سال فعالیت و جذب بیش از ۱۰۰ هزار کاربر فعال (به عنوان یک پیام‌رسان) است که پس از جذب سرمایه مرحله سید (seed/ عددی بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان) شکست خورد. داستان «هدهد» اززبان هادی سینایی شنیدنی است ونکات قابل توجهی دارد. لزوم فهمیدن نیاز و سطح تکنولوژی و فرهنگ را می‌توان اولین نکته در صحبت‌های هادی دانست. این موضوع شاید به سال ۹۳ برگردد، قبل از هدهد و زمانی که هادی می‌خواست استارت‌آپی را در حوزه پرداخت راه اندازی کند. داشتن یک ایده خوب مهم است ولی باید در زمان مناسب ارائه شود. شاید حوزه پرداخت بسیار جذاب باشد ولی سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که تا چه میزان زیرساخت‌های این کار برای یک تیم استارت‌آپی در سال ۹۳ آماده بوده است؟

نکته بعدی برنامه‌ریزی مناسب است. به قول هادی، هدهد در ماه‌های اولیه کار خود روش مشخصی برای برنامه‌ریزی (یا به قول خودش مدیریت پروژه) نداشت. برنامه‌ریزی، فارغ از اینکه چگونه باشد، باعث ایجاد دیدگاه مشترک و شفاف‌تر برای کل تیم استارت‌آپی می‌شود. برنامه‌ریزی و ترسیم نقشه راه تاثیرات زیادی بر روند پیشرفت و توسعه محصول خواهد داشت. انتخاب مسیر سخت است و هدهد در ۳ سال فعالیتش مسیرهای متفاوتی را برای رسیدن به موفقیت شروع کرده بود. بودن یک برنامه‌ریزی یا نقشه راه کمک می‌کند که استارت‌آپ در زمان‌های مختلف خودرا ارزیابی کندوتصمیم‌به ادامه یا تغییر مسیر بگیرد. یعنی، به قول هادی، کارآفرین باید بتواند از بیرون به مسیر طی‌شده به سمت قله نگاه و آن را ارزیابی کند.

مورد گفته‌شده تنها قسمتی از داستان بلند هدهد بود. هادی در مورد شکست هدهد می‌گوید: «ما نتوانستیم طبق برنامه‌ریزی که انجام داده بودیم و اهدافی که داشتیم، حرکت کنیم. همچنین، تیم دچار بحران شد و همین مساله شرایط را برای همکاری با مشکل روبه‌رو کرد. اختلاف سلیقه‌ها، بدقولی‌های ما و نبود برنامه‌ریزی مناسب از جمله مواردی بودند که می‌توانم بگویم بعد از جذب سرمایه باعث ادامه ندادن جدی کار از سوی ما شد. تصمیم فعلی مجموعه فروش محصول است و تا آن زمان به صورت غیررسمی در حال توسعه خواهیم بود.»

سودای ثروت از رمزارزها

هرکدام از روش‌های سرمایه‌گذاری در ارزهای دیجیتال زمان بازگشت سرمایه و درصد سودهای متفاوتی دارد. آسان‌ترین روش برای ورود به بازار این ارزها، خرید به صورت عمده از دلالان بازار سیاه و فروش خرد آن به مشتریان موجود است. گروه‌های خرید و فروش بیتکوین، تتر، اتیریم و... در شبکه‌های مجازی بسیار فعالند و مشتریان پر و پاقرصی نیز دارند. این حوزه تخصص خاصی نیاز ندارد، ولی با توجه به قیمت‌گذاری ارزهای دیجیتال بر حسب دلار، حجم سرمایه زیادی را می‌طلبد. موضوع دیگر در این سرمایه‌گذاری به ماینینگ مربوط می‌شود. چگونگی ماین کردن یک مبحث تخصصی در زمینه بلاک چین به شمار می‌آید، ولی هر کسی با نصب برنامه مورد نیاز روی یک سخت‌افزار نسبتا قدرتمند می‌تواند به ماین ارزهای دیجیتال بپردازد. با توجه به وجود سخت‌افزارهای بسیار قوی در صنعت ماینینگ، ورود به این حوزه برای یک فرد عادی به‌صرفه نیست چراکه نرخ ماین کردن به صورت نمایی با قدرت دستگاه افزایش می‌یابد. ۲ معضل اساسی دستگاه ماینینگ، مصرف برق و انرژی برای خنک کردن آن است تا جایی که استارت‌آپ‌هایی برای استفاده از گرمای تولیدی دستگاه‌های ماینینگ به وجود آمده‌اند. ارز دیجیتال حاصل از ماینینگ برای تبدیل شدن به سود می‌تواند وارد بازار سیاه یا صرافی‌های غیرمتمرکز (اکسچنج‌ها) شود.

از بورس چه می‌دانید؟

بخش فراموش‌شده اقتصاد ایران

اقتصاد

مائده صلاحیان

وقتی از تالار بورس یاد می‌شود، تصویر افرادی که جلوی تابلوهایی پر از عدد و رقم بالا و پایین می‌پرند و هیاهو می‌کنند، جلوی چشممان می‌آید. اگر روزی خواستید جزو آن افراد باشید، بهتر است این تصور ساده را به فراموشی بسپارید و اطلاعاتی درباره بورس به دست آورید.

بورس به بازاری گفته می‌شود که در آن قیمت‌گذاری و خرید و فروش اوراق بهادار انجام می‌شود. برای سرمایه‌گذاری در بورس ابتدا باید از این بازار شناخت کافی پیدا کنید. مشورت با افراد حرفه‌ای در این کار به شما بسیار کمک می‌کند. قدم اول این است که با نگاه بلندمدت سرمایه‌گذاری کنید و توجه داشته باشید که ذات بورس با نوسان همراه است. پس با مشاهده افت و خیزهای بازار تصمیم‌های عجولانه نگیرید و به خرید و فروش سهام اقدام نکنید.

قدم بعدی مراجعه به یک کارگزار (واسطه بین سرمایه‌گذار و بورس) و گرفتن کد معاملاتی است. کارگزاران، علاوه بر ارائه خدمات مشاوره‌ای، برای شما خرید و فروش انجام می‌دهند و در ازای آن کارمزد دریافت می‌کنند. برای خرید و فروش سهم لازم نیست حتما به تالار بورس مراجعه کنید، بلکه می‌توانید این کار را اینترنتی انجام دهید. فرم سفارش خرید یا فروش سهم را از طریق اینترنت دریافت و تکمیل می‌کنید و در اختیار کارگزار قرار می‌دهید. در نهایت این کارگزار است که خرید یا فروش را بر اساس سفارش شما انجام می‌دهد. ولی در معاملات آنلاین، پس از دریافت گذرواژه و رمز عبور از کارگزاری، می‌توانید شخصا به خرید و فروش سهم از طریق اینترنت اقدام کنید.

باید بدانید که در هیچ‌یک از بازارهای مالی دنیا نمی‌توان کاهش یا افزایش ارزش سهام شرکت‌ها را تضمین کرد بنابراین برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری باید سبد سهام تشکیل دهید.

مزایای بورس

برتری بورس نسبت به دیگر بازارها - مثل سکه و ارز - در این است که نوسان آن بسیار کم و امنیت سرمایه‌گذاری در این عرصه بیشتر است. طبق قوانین، سقف ضرر در بورس ۴- درصد و سقف سود هم ۴+ درصد است که البته در بعضی شرایط ممکن است بیشتر شود.

بورس، با دریافت پس‌اندازهای مردم، آنها را در فعالیت‌های اقتصادی بزرگ شریک می‌کند و سرمایه لازم را به منظور اجرای پروژه‌های بزرگ دولتی و خصوصی فراهم می‌آورد. بورس یا بازار اوراق بهادار نقش کلیدی در اقتصاد دارد. این بازار تامین‌کننده بلندمدت منابع مالی سرمایه‌گذاری‌ها و نماد مجموعه فعالیت‌های اقتصادی است که می‌تواند با تامین منابع مالی برای سرمایه‌گذاری‌های برتر به افزایش نرخ رشد اقتصاد منجر شود.

بورس در ایران

شروع فعالیت بورس در ایران به بهمن سال ۱۳۴۶ یعنی نیم قرن پیش برمی‌گردد اما علی‌رغم این سابقه، عملکرد محدودی داشته و متناسب با اهمیت و جایگاهش در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های اقتصادی مورد توجه قرار نگرفته است. در ایران بار اصلی تامین منابع مالی بر عهده بانک‌ها و موسسات اعتباری است. بورس تهران به لحاظ اندازه و حجم معاملات، کوچک و در مقایسه با تولید ناخالص داخلی، فعالیت آن کم است. ارزش بازار سهام تهران در سال ۱۳۸۳ (براساس نرخ دلار آزاد) ۴۳/۳ میلیارد دلار بوده و در حال حاضر ارزش این بازار ۵۰ میلیارد دلار است. صندوق بین‌المللی پول تولید ناخالص داخلی ایران را در سال ۱۳۸۳ حدود ۱۶۸ میلیارد دلار و در حال حاضر ۴۵۰ میلیارد دلار تخمین زده است. بنابراین ارزش بازار سرمایه ایران نسبت به تولید ناخالص داخلی در فاصله این ۱۴ سال از ۲۵/۷ درصد به ۱۱ درصد کاهش یافته است.

فعالان بازار سهام ایران

با توجه به این که بیش از ۵۰ درصد صنایع فعال در بورس با کالاهای جهانی و نرخ دلار مرتبط هستند، صنایع کالایی از جمله پتروشیمی، فلزات اساسی و فرآورده‌های نفتی همچنان جزو صنایع پیشرو در بازار سهام شناخته می‌شوند. دلیل اصلی جذابیت سهام این شرکت‌های کالایی، به ویژه تولیدکنندگان مواد خام، فروش صادراتی این شرکت‌ها به دلار است. رشد شاخص کل (عددی که نشان‌دهنده بازدهی بازار است) از محل همین صنایع دلاری و کالایی است. وقتی به روند این شاخص در ۱۰ سال اخیر نگاه می‌کنیم، یک روند صعودی را می‌بینیم ولی وقتی تعدیلات تورم را در رشد شاخص کل سهام لحاظ می‌کنیم، عدم بازدهی مطلوب مشاهده می‌شود. همچنین، وقتی تعدیلات نرخ ارز را در شاخص کل در نظر می‌گیریم، در ۶ سال اخیر هیچ تغییری در آن نمی‌بینیم.

به عنوان حرف آخر می‌توان گفت عواملی چون کاهش نرخ سود بانکی، قانونمند شدن فعالیت و نرخ سود صندوق سرمایه‌گذاری، اصلاح قوانین و مقررات بازار سرمایه، اعطای تسهیلات توسط دولت به بنگاه‌ها در جهت تقویت سودآوری شرکت‌ها، اقدامات سازمان بورس به منظور ثبات‌بخشی به بازار و کاهش نرخ کارمزد و افزایش شفافیت اطلاعات در بازار سرمایه باعث بهبود بازار سرمایه ایران می‌شوند.

از صفر تا ثروت

سنجش بهتر برای کنش بهتر

شرکت صنعت و دانش رهپویان افلاک (صدرا) از سال ۹۰ با یک تیم ۳ نفره از دانشجویان دکتری مکانیک در مرکز رشد دانشگاه شریف شروع به کار کرد. پس از ۳ سال فعالیت، این تیم توانست به عنوان یک شرکت رشدیافته در زمره شرکت‌های دانش‌بنیان نوپا قرار گیرد. یکی از حیطه‌های فعالیت این شرکت ارائه بسته‌های نرم‌افزاری پایش و مانیتورینگ آنلاین است. سیستم‌های ثبت رفتار و ابزار دقیق از دیگر حوزه‌های فعالیت گروه صدرا به شمار می‌رود. با نیازهای بازار، تیم صدرا با ارتقای مشخصات فنی محصولات اولیه و تولید محصولات جدید، توانست موفق به کسب تاییدیه دانش‌بنیان تولیدی شود. در سال ۹۶ این شرکت موفق شد طرح ایجاد سامانه یکپارچه آنلاین را برای ایستگاه‌های پایش کیفی هوای کشور اجرا کند. علاوه بر سازمان حفاظت محیط زیست، شرکت رهپویان افلاک تاکنون همکاری‌های موفقی را با شرکت کنترل کیفیت هوا، ادارات کل حفاظت محیط زیست، مجتمع پتروشیمی لرستان، وزارت علوم و طرح حفاظت از تالاب‌ها تجربه کرده است. در حال حاضر شرکت رهپویان افلاک در محله طرشت مستقر است و حدود ۱۵ عضو ثابت دارد که عمدتا از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه شریف در رشته‌های مکاترونیک، برق، کامپیوتر و صنایع هستند.

سایت: sdra.co.ir

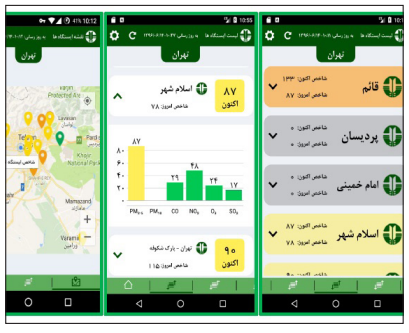

کسب رتبه اول در مسابقه بین‌المللی DEWAN

علم و صنعت: تیم ۴ نفره دانشجویان دانشکده معماری و شهرسازی موفق به کسب رتبه نخست مسابقه بین المللی معماری با عنوان «طراحی مدرسه‌ای در جنگل» شد. شرکت معماری و مهندسی DEWAN با همکاری TAMAYOZ AWARD این مسابقه را به منظور طراحی مدرسه‌ای با ۶ کلاس و تمام امکانات یک مدرسه مدرن برای روستاهای اطراف خارج از شهر بصره برگزار کرد. در این مسابقه داورانی از کشورها و دانشگاه‌های مختلف جهان مانند پلی‌تکنیک میلان، مادرید، استانبول، والنسیا، دبی و اردن به قضاوت آثار شرکت‌کننده در آن می‌پردازند. امسال حدود ۱۰۰ تیم از ۳۷ کشور در این مسابقات شرکت کردند.

بهینه‌سازی تولید آزمایشگاهی انسولین انسانی

دانشگاه شیراز: برای نخستین بار پژوهشگران دانشکده علوم با نوآوری در فناوری تولید آزمایشگاهی انسولین نوترکیب انسانی، این داروی ضد دیابت را در میزبان باکتریایی با موفقیت تولید کردند. این پژوهش بخشی از پروژه بزرگ آزمایشگاه شیمی پروتئین با هدف بهینه‌سازی تولید آزمایشگاهی انسولین انسانی و آنالوگ‌های آن است که در قالب همکاری با کرسی یونسکوی دانشگاه تهران در تحقیقات بین‌رشته‌ای با محوریت دیابت، مستقر در مرکز تحقیقات بیوشیمی و بیوفیزیک دانشگاه تهران، در حال انجام است. نتایج این پژوهش در نشریه PLOS one به چاپ رسیده است.

جمعی از دانشجویان MIT خطاب به رئیس این دانشگاه

همین حالا روابط دانشگاه را با عربستان سعودی قطع کنید

کمی آن سوتر دانشگاه MIT:

مترجم: حسین رجبی

ما جمعی از دانشجویان علوم سیاسی دانشگاه از ارتباطات دانشگاه با عربستان سعودی نگران هستیم. ما از نقاط مختلف دنیا با پیشینه‌های مختلف سیاسی، مذهبی و ایدئولوژیکی جمع شده‌ایم. ما متوجه هستیم که جهان کنونی بسیار پیچیده است و گاهی اوقات برای رسیدن به اهداف عالیه باید تصمیمات دشواری اتخاذ کرد. می‌دانیم که شما و مسئولان دانشگاه با بهترین نیت‌ها همکاری با عربستان سعودی را آغاز کرده‌اید. اما هم‌اکنون این همکاری پیام دیگری دارد و آن نقض حقوق بشر به نفع ملاحظات مالی است که شاهزاده عربستان سعودی، محمد بن سلمان را مطمئن می‌سازد MIT در برابر جنایات وی ساکت خواهد بود و رژیم عربستان می‌تواند از پیشینه MIT به نفع خود بهره‌برداری کند. با این کار، هم به این پادشاهی مصونیت بخشیده‌ایم و هم تصویر MIT را خراب کرده‌ایم. به همین دلیل از شما می‌خواهیم که ۱) به تمام روابط خود با دولت عربستان سعودی خاتمه دهید ۲) بیانیه‌ای را صادر کنید ونقض دائم حقوق بشر توسط عربستان را محکوم کنید و ۳) از دانشگاه‌ها و شرکت‌های دیگر بخواهید همین کار را انجام دهند.

شما در تاریخ ۲۴ مارس ۲۰۱۸ میزبان بن سلمان در MIT بودید که در آنجا همکاری‌های جدید دانشگاه را با نهادهای دولتی عربستان اعلام کردید.

MIT's Oldest and Largest Newspaper

thetech.com

The Tech

Established 1881

WEATHER, p. 2

THU: 48°F | 34°F Clear Skies

FRI: 52°F | 44°F Partly Cloudy

SAT: 49°F | 44°F Rainy

Volume 138, Number 25 — Thursday, October 25, 2018

MIT begins reassessment of connections with Saudi Arabia

Review in response to death of Jamal Khashoggi, a journalist and well-known critic of the Saudi regime

By Jessica Shi

NEWS EDITOR

MIT is conducting a reassessment of its Institute-level engagements with Saudi Arabia following the death of journalist Jamal Khashoggi. Associate Provost Richard Lester PhD '80, who advises the administration on international activities, is leading the process.

Khashoggi's fate is of "grave concern to all of us," Lester wrote in a letter sent to MIT faculty Oct. 15 and published by MIT News Oct. 22. Officials in Turkey and other countries are alleging that Crown Prince Mohammed bin Salman authorized the assassination.

Lester declined to comment on the details of the review until its completion, which he estimated will come in about a month.

Individual faculty members were also encouraged to "make their own determinations as to the best path forward" regarding their current or future engagements with Saudi Arabia, Lester's letter to the faculty added.

Mohammed bin Salman visited MIT in March in conjunction with the second annual Innovation to Impact forum, which was held between MIT and several Saudi Arabian entities.

"Saudi Arabia and MIT have a longstanding collaborative relationship focused on subjects of mutual interest," Kimberly Allen, director of media relations and deputy director of MIT News, wrote in an email to *The Tech* at the time.

This includes "creating opportunities for post-doctoral Saudi women scientists and engineers to study at MIT" and "supporting the development of sustainable energy," Allen continued. "Saudi Aramco is a founding member of the MIT Energy Initiative."

Mohammed bin Salman's visit sparked protests at MIT, with students demonstrating outside Lobby 7 the day prior to his arrival. "No Saudi War Criminal at MIT," their signs read.

With a 4-2 win over the L.A. Dodgers last night, the Red Sox lead the World Series 2-0. Here, the Prudential Tower is lit up in support of the team.

JESSY HE—THE TECH

Faculty members discuss new college

'This is not the Institute of AI,' one EECS professor comments at faculty forum

By Zoe Anderson

ASSOCIATE NEWS EDITOR

The faculty met twice last week to discuss the new College of Computing: once at a monthly meeting held Wednesday and again at a forum gathered specifically to hear faculty opinions on the college held Thursday.

At the monthly meeting, Dean of the School of Engineering Anantha Chandrakasan said that the structure of the new college is far from finalized and that faculty will work on it in working groups.

Opinions on the messaging of the college's purpose and mission asked at the meeting how creating a college that elevates computing is going to help solve the overload of students in the EECS department. "We need to de-escalate the trend of students to flock into CS because there are so many as important things," Hutchinson said.

Hutchinson also commented that the focus for the college seems to be on the "fashionable" parts of computing.

"This is not the 'Institute of AI,'" EECS Professor Jacob White '80 said at the forum. White said he found Vice Chancellor Ian Waitz's description of the new college "so at odds with" what he envisioned.

MIT's recycling rate cut in half due to new contamination levels

Changes in recycling industry force waste to be rejected

By Billy Woltz

The amount of recycling that MIT has collected has nearly halved over the past two months, from 49 percent of total waste to 27 percent, due to lower allowable levels of contamination and stricter enforcement of these levels by China.

MIT's waste management is handled by the MIT Department of Facilities and its Recycling and Materials Management division. The division is led by Ruth Davis, whose office is trying to reduce the amount of trash generated and increase the amount of materials recycled or reused by better educating the MIT community.

In an effort they call "Reusable Revolution," Davis and her team are working alongside custodial services and UA and GSC Sustainability to help the recycling rate recover, such as by changing signs to be more clear about what can and cannot be recycled.

MIT's recycling rate has gone down mainly due to food waste being in the single stream recycling and various lab wastes being rejected, according to Davis.

If food waste is in the recycling, it is not accepted. "[Recyclable] things must be empty and clean," Davis told *The Tech* in an interview. "If you have an iced coffee, the straw is trash and you need to dump out the ice."

In addition, blue gloves and pipette tips and boxes in the single stream recycling are rejected because of health concerns regarding anything that looks like medical waste. Davis's division is currently working on a separate stream for lab waste.

Similar drops in recycling fractions have occurred all over the world. In January of this year, China began rejecting all would-be recycling with contamination levels above 0.5 percent, a large cut from the former allowable contamination level of 4 percent. China is lowering the contamination rate out of concern for the environment and public health as part of its "Green Fence" and "Green Shield" initiatives.

Recycling, Page 2

این همکاری حول موضوعاتی بسیار مهم و ارزشمند هستند مانند تحقیقات واکسن، انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری پزشکی. می‌دانیم که این موافقتنامه‌ها زمانی منعقد شدند که بسیاری از تحلیلگران معتقد بودند بن سلمان در حال ایجاد اصلاحات در کشورش است. اما وی به دیکتاتوری بی‌رحم و ضد آزادی تبدیل شد. خوشبختانه MIT منافع مشترکی با بن سلمان ندارد. برای وی موضوعات همکاری پژوهشی مطرح نیست. فناوری و علم از منظر وی ابزارهایی برای بهبود وضعیت بشر محسوب نمی‌شود. در عوض، بسیار مشابه اصلاحات تخیلی که در عربستان آغاز کرده، فناوری و علم نیز ابزارهایی برای انحراف اذهان از مشکلات درونی‌تر رژیم عربستان هستند. بن سلمان با پرداخت پول به MIT و دیگر دانشگاه‌ها، اتاق‌های فکر و رسانه‌ها تلاش دارد اقدامات رژیم خود را قانونی جلوه دهد و سکوت را برای خود خریداری کند. می‌دانیم که نیت شما در همکاری با عربستان چنین نبوده و شما شخصا از بن سلمان و رژیم او مانند ما بیمناک هستید. اما دانشگاهی مانند MIT نباید تهدید به سکوت شود.

دانشگاه MIT در هر نقطه جهان محترم شمرده شده و در مقابل سرکوب قد علم کرده است. به عنوان رئیس دانشگاه، شما میکروفن بزرگی در دست دارید. تمام جهان صدای شما را می‌شنوند. لطفا به این سکوت خاتمه دهید.

پاسخ رئیس MIT به نامه دانشجویان این دانشگاه

هفته گذشته جمعی از دانشجویان دانشکده علوم سیاسی نامه‌ای متفکرانه و سرگشاده درباره همکاری دانشگاه با عربستان سعودی در روزنامه منتشر کردند. من پاسخ خود را مستقیما به این گروه ارائه کردم، اما می‌خواهم آن را با خوانندگان روزنامه نیز در میان بگذارم. به دنبال قتل وحشیانه جمال خاشقچی، از معاون دانشگاه که فعالیت‌های بین المللی دانشگاه را تحت نظر دارد، درخواست کردم همکاری‌های مشترک ما را با نهادهای عربستانی مجددا ارزیابی کند. وی سپس از اعضای هیات‌علمی خواست اطلاعات مورد نیاز را در این زمینه به وی منتقل کنند. از نگرانی دانشجویان در این مورد قدردانی می‌کنم. اما نظر به اهمیت این فرایند احساس می‌کنم مناسب نیست که پیش از پایان بررسی‌های معاون دانشگاه و دریافت پیشنهادهای او تصمیم یا اقدامی انجام دهم. در نظر دارم نتایج بررسی‌ها را نیز با اعضای جامعه دانشگاهی در میان بگذارم.

مرغ همسایه

دانشگاه پرینستون بیش از ۲ قرن است از هدایای مختلفی که از فارغ‌التحصیلان خود و خانواده‌ها و دوستان آنها دریافت می‌کند، بهره‌مند است. تمام این هدایا و موقوفه‌ها را شرکت مستقلی به نام شرکت سرمایه‌گذاری دانشگاه پرینستون یا Princo اداره می‌کند که دربرگیرنده بیش از ۴ هزار سرمایه‌گذار شخصی است. اولین کمک‌هزینه تحصیلی توسط جیمز لسلی، فارغ‌التحصیل سال ۱۷۵۹ میلادی، در سال ۱۷۹۲ به دانشگاه اعطا شد. میزان این هدایا تا مارس ۲۰۱۸ به رقم ۲۴/۶ میلیارد دلار رسیده است. سود حاصل از سرمایه‌گذاری هدایای مالی نه‌تنها بیش از نیمی از هزینه‌های عملیاتی دانشگاه را پوشش می‌دهد، بلکه ۸۰ درصد کمک‌هزینه‌های تحصیلی مقطع کارشناسی را نیز تامین می‌کند. اهداکنندگانی هستند که در طول سال‌ها و نسل‌ها هدایای خود را به صورت خانوادگی اهدا می‌کنند. لوتر آیزنهارت در سال ۱۹۰۰ به دعوت ریاضیدان افسانه‌ای پرینستون، هنری فاین، به این دانشگاه رفت. از آن زمان تاکنون بیش از ۱۱ عضو این خانواده به پرینستون رفته‌اند. خاندان آیزنهارت انواع هدایا از جمله تجهیزات دانشگاهی، امکانات پژوهشی، کمک‌هزینه‌های تحصیلی و جوایز سالانه را به دانشگاه اعطا کرده‌اند. سال ۱۹۵۱ یکی از دروازه‌های ورودی پرینستون به نام دروازه لوتر آیزنهارت ساخته شد.

شنا کردن در رودخانه‌ای بزرگ‌تر

مونا رحیمیان*

یکی از ویژگی‌های دانشگاه پلی‌تکنیک میلان این بود که با حوزه صنعت ارتباط بسیار خوبی داشت. ما ارائه‌هایی عالی از کمپانی‌های بزرگ داشتیم و برای یک مطالعه موردی به خیلی از این کمپانی‌ها می‌رفتیم و عملکردشان را آنالیز می‌کردیم. این‌طور نبود که مثل ایران، از اول ترم برویم سر کلاس و استاد درس بدهد و ما تند و تند جزوه برداریم و آخر سال چهارتا سوال طرح شود یا بگویند این سرفصل‌ها را برای امتحان بخوانید. در فضای دانشگاه میلان تعامل علمی خیلی پررنگ بود. این شرایط از جهاتی سخت بود چون باید پرزنتیشن‌های مختلف انجام می‌دادیم. اما به سختی‌اش می‌ارزید چون نوعی تمرین حرف زدن درباره ایده‌هایمان در حضور آدم‌های زیاد بود.

در دوره لیسانس در ایران همه چیز یک‌جانبه بود. استاد درس می‌داد. ما حفظ می‌کردیم و امتحان می‌دادیم و همین. یکی از مسائلی که انگیزه‌ام را برای ادامه تحصیل در خارج از کشور تقویت کرد، همین موضوع بود. برایم مهم بود بروم جایی که بتوانم بخشی از یک جریان بزرگ‌تر باشم؛ جریانی که هر دو طرف، یعنی هم استاد و هم دانشجو، در بحث مشارکت دارند و من می‌توانم درباره صنعت چیزهای مختلفی یاد بگیرم. بزرگ‌ترین تفاوتی که در ایتالیا نسبت به ایران دیده‌ام، همین است که دانشجویان را برای محیط‌های کاری آماده می‌کنند. صاحبان صنایع و کمپانی‌های مختلف با علاقه به دانشگاه می‌آیند و با دانشجویان ـ که در واقع ممکن است کارکنان آینده آنان شوند ـ در سنین پایین‌تر آشنا می‌شوند. آنها این سرمایه‌گذاری را انجام می‌دهند آن هم بدون هیچ چشمداشتی. دانشگاه‌ها هم خیلی کمک می‌کنند، نه تنها از طریق ارائه کارها و پژوهش‌ها و ایده‌ها، بلکه از طریق برگزاری «career day». در ایتالیا هر ۳ ماه یک بار career day داشتیم. کمپانی‌های مختلف می‌آمدند و خودشان را معرفی می‌کردند. هرکدام غرفه‌ای مختص خود داشتند و دانشجو می‌توانست مستقیما با آنها صحبت و درباره امکان‌هایی که دارند پرس‌وجو کند، رزومه‌اش را به آنها بدهد و... این کمپانی‌ها از طریق همین آشنایی‌ها و رزومه‌ها افراد مورد نظر خود را پس از بررسی انتخاب می‌کردند. خیلی از بچه‌ها دوره کارآموزی یا شغل دائمی خود را از همین طریق پیدا کردند. آشنایی با کمپانی‌های بزرگ باعث می‌شد بچه‌ها بفهمند برای ورود به بازار کار باید در چه زمینه‌هایی بیشتر مطالعه کنند یا در یک واحد درسی تمرکز بر چه مباحثی برایشان بهتر است.

*فارغ‌التحصیل مهندسی مدیریت از دانشگاه پلی‌تکنیک میلان

منبع: ماهنامه ۹۸ + (نشریه الکترونیکی ویژه دانشجویان ایرانی مقیم خارج)

روزنامه

دانشگاه صنعتی شریف

• مدیرمسئول: **محسن رستمی** • سردبیر: **محمد صالح انصاری**
• دبیر تحریریه: **محمدجواد شاکر** • تحریریه: **حسین رجبی، عمادالدین کریمیان، سحر بختیاری، محمد جوانمرد، هاتف محقق، محمدحسین هوائی، حسین شاهرخی، زینب محبی، سارا زمردی، محمدجواد هاشمی، سپهر حجازی، پیمان ملک‌محمدی، امیررضا درودیان، فراز ملاجعفری**
• مدیر فنی و هنری: **سامان موحدی** • سرویس عکس: **میلاد مظفری** • صفحه‌آرا: **سیدسبحان علی ثابت** • ناظر چاپ: **وحید ملک** • ویراستار: **لاله غزالی**
• مدیر اجرایی: **صابر حشمتیان** • مدیر داخلی: **سیمین آبادی**

شرح هجران

من: دهکده‌ها نبضِ حقایق هستند
او: مردم دِه با تو موافق هستند
ناگاه صدای خیس رعدی پیچید:
باران که بیاید همه عاشق هستند
(ایرج زبردست)

آدرس: دانشگاه صنعتی شریف، جنب معاونت پژوهش و فناوری، طبقه‌منفی یک • تلفن: ۶۶۱۶۶۰۰۶ • daily@sharif.ir

تقدیم می‌شود به ...

این شماره از روزنامه تقدیم می‌شود به پاییز که برخلاف پارسال که نیامد و یکدفعه زمستان شد، امسال «توی یه روز» آمد و «دیوونه‌ها» را به دیدن «نارنجیا» و خاطره‌بازی با «دلبر» خیالی و واقعی نشاند. تقدیم می‌شود به اهواز؛ ونیز ایران! شهری که یا جنگ دید یا گرد و غبار و تا نوبت به بارانش رسید، چنان بارید که بخش‌هایی از آن رفت زیر آب. اما پاییز شریف فقط نارنجی نیست و با باران نمی‌آید. شریفی‌ها وقتی می‌فهمند پاییز آمده است که میان‌ترم‌ها روی سرشان خراب می‌شود. این شماره از روزنامه تقدیم می‌شود به اهالی سالن‌های مطالعه و کتابخانه مرکزی که تا کارت اقامت خود را نگیرند، از آنجا نخواهند رفت.

مسئولین مادام‌العمر

حسین شاهرخی

حکایت مدیریت در ایران حکایت بامزه‌ای است، البته مثل بقیه امور. مسئول یا مدیر مثل هدایای عروسی که در روز پاتختی داده می‌شوند، نه تولید می‌شوند و نه از بین می‌روند، فقط از خانه‌ای به خانه دیگر منتقل می‌شوند، مثل همین آقای آخوندی عزیز که انصافا از هر انگشتش یک هنر می‌بارد.

روزنامه را باز می‌کنی، مقاله نوشته است در حوزه حاشیه‌نشینی. تلویزیون را روشن می‌کنی، در امور مدیریت شهری داد سخن می‌دهد و خب، وزارت هم که شغل اصلی ایشان است. در دولت تدبیر و امید که انصافا هرچه به آخر کار نزدیک‌تر می‌شود بیشتر باعث روسفیدی دولت مهرورز می‌شود، جناب آخوندی ۵ سال وزیر محترم راه بود. شکر خدا، امنیت در زمین و آسمان و دریا برقرار بود. سانچی در دریا غرق شد، پرواز تهران به یاسوج در سمیرم افتاد و ۲ قطار در ایستگاه هفت‌خوان به هم خوردند و ۴۷ نفر کشته و ۱۰۳ نفر مصدوم شدند. اما آخوندی پشتش گرم‌تر از اینها بود و پس از گذر از هفت خوان، در دولت دوازدهم هم وزیر شد. این وسط نمی‌دانیم چه اتفاقی افتاد که از دولت مدبر دل‌آزرده شد و استعفا داد!

اما برگردیم به قانون بقای مدیریت در ایران. از آنجا که خدا را خوش نمی‌آید مسئولی به این کارآمدی و نازنینی که از اتفاق باجناق بزرگواری هم دارد بیکار بماند، به صورت خیلی اتفاقی ایشان یکی از ۲ کاندیدای پست شهردار تهران شد!

شهرداری تهران هم خودش حکایت غریبی است. آنقدر رفتن قالیباف برای بعضی‌ها گران آمد که دکتر نجفی نیامده، بیمار صعب‌العلاج شد و رفت و به لطف خدا و دعای دوستان نه‌تنها شفا یافت که داماد هم شد. افشانی بنده خدا هم نیامده بازنشسته شد. سوال اصلی اما اینجاست که اینقدر در مملکت ما قحط‌الرجال است که برای تصدی هر مسئولیتی باید از موزه آثار ملی استعلام بگیریم؟ چگونه است که در فتح قلل علم و فناوری و عرصه پیکار و نبرد جوانان این مرز پرگهر می‌توانند کارگشا باشند، اما نوبت به مدیریت و پست‌های حساس و نان و آبدار که می‌رسد، تجربه و ریش‌سفیدی ملاک می‌شود؟! البته که اختلاس و رانت و رفیق‌بازی از جوانان پاک و مومن برنمی‌آید و در این زمینه باید کار را به کاردان سپرد.

بگذریم. کلام را ختم کنم به توصیفی که اکبر ترکان از جناب آخوندی داشت: جناب آخوندی تئوری‌پرداز خوبی است اما مدیر اجرایی خوبی نیست، البته تئوری‌های ایشان در ایران کار نمی‌کند!

عکس و مکث

از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود

الهی هیچ کس مثل این کولر نباشد. نه به جایی وصل است، نه مصرفی دارد و فایده‌ای. فقط به مرور زمان فرسوده می‌شود و آهسته آهسته از یاد می‌رود.

استاد شریف ما

از **استاد شریف** در حالی که یک ماه و نیم از شروع ترم گذشته بود، پرسیدیم قرار است کلاس حل تمرین داشته باشیم یا نه. گفت استاد حل تمرین را مشخص کرده ولی شماره تلفنش را ندارد که پیدایش کند، اسمش را هم نمی‌داند، فقط به قیافه او را می‌شناسد.

استاد شریف ما بعد از اینکه بچه‌ها گفتند خسته‌اند، کلاس را تعطیل کرد و با هم رفتند چای بخورند.

دانشجوی شریف ما که دیر به کلاس رسیده بود، برای اینکه غیبت نخورد، کیفش را بیرون کلاس گذاشت و با اعتماد به نفس طوری وارد کلاس شد که انگار فقط برای چند دقیقه بیرون بوده است.

دانشجوی شریف ما در تمرین بسکتبال دانشگاه هم‌تیمی خود را بلاک کرد! یعنی حتی متوجه نشد در حالت حمله است.

نودانشجوی شریف ما تا ۲ سال پیش فکر می‌کرد غلامعلی حداد عادل دروازه‌بان تیم ملی است.

استاد شریف ما از دانشجوی شریف ما پرسید چرا سر کلاس نمی‌آید؟ دانشجوی شریف ما جواب داد استاد راستش را بخواهید سعی می‌کنم سر کلاس بیایم. استاد هم قانع شد.

استاد شریف دانشکده مدیریت ما بعد از اینکه یه ربع تاخیر کرد و نیامد، دانشجوها همه از مسیر استخر که ۵۰ متر نزدیک‌تر است، به سمت دانشگاه برگشتند. از قضا استاد مذکور همان جا مشغول پارک کردن ماشینش بود و خلاصه همه کلاس را برگرداند.

استاد شریف ما قول داده بود اگر پرسپولیس قهرمان آسیا شد یک نمره به همه کلاس اضافه کند. برای فینال هم نیم نمره اضافه کرده بود.

واژ و ژاژ

عمادالدین کریمیان

کتاب: Bisho'ouri | از تزئینات محبوب منزل. دارای دو نوع مصنوعی (پرطرفدار و ساخته‌شده از MDF) و طبیعی (کم‌طرفدار و ساخته‌شده از کاغذ) | مجموعه‌ای از صفحات سفید که به گاج می‌روند (یا قلمچی) و به صورت صفحات نوشته‌شده متصل به هم درمی‌آیند. سپس انسان‌ها باید آن را بخرند تا برای ورود به دانشگاه احراز صلاحیت شوند | مصحف | یار مهربان است ولی همه به او می‌گویند مثل داداشمی (آبجیمی) بنابراین سینگل می‌ماند و کسی به او توجه نمی‌کند. اصولا مهم است یار برجسته باشد نه مهربان | آشنایی ایرانیان با کتاب برمی‌گردد به دوران دبستان، آیا شما با پتروس که انگشت در سوراخ سد می‌کرد و ریزعلی که لباس‌هایش را درمی‌آورد و آتش می‌زد، انتظار علاقه‌مند شدن به کتاب دارید؟ | لئو تولستوی نویسنده شهیر روس درباره کتاب می‌گوید: «در دنیا لذتی که با لذت مطالعه برابری کند، وجود ندارد». از این جمله استنتاج می‌شود که تولستوی همیشه کالج بدون جوراب می‌پوشیده است وگرنه اگر یک بار جای کش جورابش را خارانده بود، معنی واقعی لذت را می‌فهمید.

کتابخوان: گونه‌ای از دایناسورها که نامش در اصل کتاب‌خوانُسوروس بوده و در رقابت طبیعی با پلنگ‌های اینستاگرامی منقرض شده است.

کتابخانه: محلی که کتاب در آن نگهداری می‌شود؛ قرنطینه. | کتاب‌خوانسوروسِ ماده.

کتاب مقدس: کتابی که همه آن را می‌خوانند و به آن احترام می‌گذارند و از نوشته‌هایش پیروی می‌کنند؛ ریاضی عمومی شهشهانی.

اهل کتاب: کسانی که محل زندگی‌شان کتاب است و در کتاب می‌خوابند؛ خرخوان.

قطع کتاب: برادر بزرگ‌تر قطع درختان. بریدن کتاب‌هایی که جلوی دیده شدن تبلیغات مورد نظر ما را می‌گیرد؛ ممیزی.

اس ام اس

شماره‌های روزنامه ۱۰۰۰۶۶۱۶۶۰۰۶ و ۰۲۱۶۶۱۶۶۰۰۶

۰۹۱۹**۱۴۸:** اینایی که موافق آتیش زدن پرچم بقیه کشورهان و خشم رو دلیلی واسه این توهین میدونن، حاضرن با خودشون هم این برخورد بشه؟ من توهین کنم بهشون چون ازشون خشمگینم!!!

روزنامه ببین، تو می‌تونی بهشون توهین کنی اما مشکل اینه که لباس زیرت رو هم آتیش می‌زنن! حالا تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

۰۹۲۰**۸۲۷:** سلام
ما دلمون می‌خواد با روزنامه همکاری کنیم ولی هیچ‌وقت اعلام نمی‌کنید که نیاز به همکار دارید. حسم به روزنامه یه جور حس لُژنشینیه که دست ما بهش نمی‌رسه!

روزنامه راستش ما ز یاران چشم یاری داشتیم اما این‌طور که به نظر میاد گویا خود غلط بود آنچه می‌پنداشتیم!

۰۹۳۷**۵۷۷:** از این تریبون یه توصیه دارم برای ورودیا. ماشین‌حساب مهندسی اگه خواستید بخرید، از یه سال‌بالایی بپرسید. ما که ورودی بودیم، یکی از رفیقامون رفت یه ماشین‌حساب خرید که قیافش ماشین‌حساب مهندسی بود اما خیلی کارایی بالاتر از ۴ عمل اصلی نداشت! خلاصه اینکه نندازن بهتون.

روزنامه واقعا روزگار بدیه. چرتکه رو رنگ می‌کنن جای مک‌بوک می‌فروشن به خلق‌ا...